

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پایگاه اطلاعات علمی ایران
تاسیس ۱۳۹۵



مجلس آموزش عالی و پژوهش‌ها

۱۳۸۲ / ۱۵ / ۳۰

۱۳۸۲ / ۱۵ / ۳۰

رسالة کارشناسی ارشد علوم سیاسی

از اطلاعات در آن علمی است
تمهید بر آن

عنوان:

رابطه فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه

استاد راهنما

دکتر علی رضا صدرا

استاد مشاور

حجة الاسلام والمسلمین دکتر داود فیرحی

پژوهش و نگارش

شریف لکزایی

تابستان ۱۳۸۱

۴۸۱۰۹



بسمه تعالی

تاریخ: ۸۱۰۹۰۲۵

شماره: ۳۱۰۳۱۰۳۱۰۳۱۰۳۱۰

پیوست:

صورت جلسه دفاع از پایان نامه تحصیلی

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه
 محترم / آقای **شرف لک زای** دانشجوی رشته **علوم سیاسی** گرایش
 تحت عنوان **رابطه فرد و دولت در نظریه های ولایت فقیه**
 در تاریخ **۸۱۰۹۰۲۳** با حضور هیأت داوران مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) برگزار گردید. نظر
 هیأت داوران به شرح زیر اعلام می گردد:

قبول با امتیاز عالی
 شماره ۱۹
 دفاع مجدد
 غیر قابل قبول

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
(۱) استاد راهنما	دکتر عبدرضا صدرا		
(۲) استاد مشاور (۱)	دکتر داود فرعی		
(۳) استاد مشاور (۲)	دکتر منصور میراخر		
(۴) استاد ناظر			
(۵) نماینده شورای پژوهشی			

نام و امضای
 مدیر برنامه ریزی و کلیات آموزشی
الهم

نام و امضای
 مسؤول امور پایان نامه ها
۱۳۰

توضیح: باتوجه به آیین نامه پایان نامه های مؤسسه امتیاز پایان نامه ها به شرح زیر مشخص می گردد.

الف) کارشناسی	ب) کارشناسی ارشد
۱- نمره ۱۸ الی ۲۰ عالی	۱- نمره ۱۸ الی ۲۰ عالی
۲- نمره ۱۶ الی ۱۷/۹۹ بسیار خوب	بسیار خوب
۳- نمره ۱۴ الی ۱۵/۹۹ خوب	خوب
۴- نمره ۱۰ الی ۱۳/۹۹ قابل قبول	قابل قبول
۵- نمره کمتر از ۱۰ غیر قابل قبول	غیر قابل قبول

* محاسبه میانگین ارزشیابی اعضای هیأت داوران توسط نماینده شورای پژوهشی انجام می گیرد.

دسترسی به این مدرک بر پایه آیین نامه ثبت و اشاعه پیشنهادها، پایان نامه ها، و رساله های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۳۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

به یاد
و برای
مادر پارسا،
شکیبا و مهربانم

یاد و سپاس

رساله حاضر، بی تردید بدون الطاف الاهی پانمی‌گرفت. با سپاس و شکرگزاری بی‌کران به بارگاه ایزد یکتا از همه آنان‌که در این اثر با من همراهی و هم‌رایی کردند سپاس‌گزارم. به ویژه بر خود فرض می‌دانم از اساتید گران‌قدر و ارجمندم جناب آقای دکتر علی‌رضا صدرا و حجة‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر داود فی‌رحی به دلیل راهنمایی‌ها و ارشادات ارزشمند و عالمانه و از حجة‌الاسلام والمسلمین استاد سید محمد تقی آل سید غفور، حجة‌الاسلام والمسلمین جناب آقای نجف لک‌زایی و حجة‌الاسلام والمسلمین جناب آقای منصور میراحمدی به دلیل مشاوره‌ها و تذکر پاره‌ای از نکات نااندیشیده و مطالب روشی و محتوایی درباره موضوع رساله سپاس‌گزارم. از دوستان و همکاران پژوهشگرم در پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام، برای مساعدت‌های علمی و فکری درباره موضوع رساله حاضر قدردانی می‌کنم. بسیاری از اوقاتی که صرف رساله حاضر گردید متعلق به فرزند عزیز و همسر فرزانه‌ام بود که از آنان قدردانی و سپاس‌گزاری می‌کنم. زحمات و خدمات بی‌دریغ کارکنان و کارمندان مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) به ویژه بخش‌های آموزش، پژوهش و کتابخانه در طول دوره تحصیلی‌ام در این مؤسسه را ارج می‌نهم و از آنان قدردانی می‌کنم.

چکیده رساله

عنوان پایان‌نامه: رابطه فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه

نام و نام خانوادگی دانشجو: شریف لک‌زایی رشته: علوم سیاسی مقطع: کارشناسی ارشد

استاد راهنما: جناب آقای دکتر علی رضا صدرا استاد مشاور: حجة الاسلام والمسلمین دکتر داود فیروزی

تاریخ تصویب: مهرماه ۱۳۸۰

تاریخ دفاع: تابستان ۱۳۸۱

رساله حاضر که در شمار پژوهش‌های پسینی و درجه دوم است، عهده‌دار تبیین و پاسخ به این پرسش اساسی است که چه نوع مناسباتی میان فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه برقرار است؟ مراد از نظریه‌ها در این جا ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه است که طی شش فصل به سنجش و مقایسه نوع رابطه فرد و دولت در این نظریه‌ها پرداخته می‌شود. فرضیه مورد آزمون پژوهش حاضر، نوع رابطه را واکارگزارانه می‌داند. این دانش‌واژه از اصطلاح واگذاری و کارگزاری ترکیب یافته است که هر دو رابطه یک‌جانبه‌ای را به تصویر می‌کشند. در رابطه واگذاری، فرمان‌روایی و اختیارات از سوی مردم به حاکم واگذار می‌شود و در رابطه کارگزاری، فرمان‌روایی و اختیارات از سوی مردم به حاکم به امانت اعطا می‌شود. در رابطه واکارگزاری پاره‌ای از هر دو نوع رابطه واگذارانه و کارگزارانه نهفته است و در واقع رابطه‌ای متقابل و رو به تکامل میان فرد و دولت برقرار می‌سازد. فرضیه مذکور طی فصول متعددی آزمون شده، که چکیده نتایج آن و نوع رابطه فرد و دولت در پاره‌ای از مؤلفه‌های نظریه‌های ولایت فقیه به قرار زیر است:

یکم. در حوزه حقوق خصوصی نوع رابطه در هر دو نظریه به سمت کارگزاری متمایل است اما از آن‌جا که در هر دو نظریه حداقلی از قلمرو اقتدار و دخالت در حوزه خصوصی در مواقع استثنایی و ضروری به رسمیت شناخته می‌شود، رابطه به واکارگزارانه تغییر می‌یابد. در هر صورت ولی فقیه حق دخالت در قلمرو حوزه خصوصی اشخاص را ندارد، مگر در صورتی که پای حقوق دیگران و یا مصالح عمومی در میان باشد. البته با توجه به مبنای مشروعیت در ولایت انتخابی فقیه و توانایی مردم مبنی بر وضع شرایط با ولی فقیه در هنگام انتخاب او به حکومت، برخلاف ولایت انتصابی فقیه، می‌توان گفت جنبه‌های کارگزاری در ولایت انتخابی بیشتر است. اما وضع چنین قیودی نیز در محدوده شریعت انجام می‌گیرد که مردم و حاکم خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند.

دوم. حوزه و قلمرو اقتدار دولت در هر دو نظریه معرکه آرا است. وجه جمع سخنان و اندیشه امام خمینی در این باره رابطه واکارگزارانه است، اما دیدگاه پاره‌ای از قائلان ولایت انتصابی فقیه بر تمرکز قوا و مشروعیت بخشی ولایت فقیه به آن‌ها تأکید دارد و از این رو رابطه، واگذارانه است. در ولایت انتخابی فقیه نیز در دو مرحله زمانی می‌توان دو نوع رابطه را از هم تفکیک نمود. در دوره زمانی نخست، قوای سه‌گانه در شمار اعوان و انصار ولی فقیه‌اند و رابطه واگذارانه می‌باشد و در دوره زمانی دوم، قوا مستقل از هم فرض می‌شوند و رهبری نیز در حدود قانون اساسی دارای اختیار است و فراتر از آن هیچ‌گونه وظیفه و اختیاری ندارد و در نتیجه نوع رابطه واکارگزارانه می‌شود.

سوم. حق انتخاب کردن، که پایین‌ترین سطح مشارکت سیاسی است، در ولایت انتخابی فقیه یک پایه مشروعیت به شمار می‌رود. از این رو رابطه فرد و دولت می‌تواند کارگزارانه باشد، اما با توجه به محدودیت‌هایی که وضع می‌شود به واکارگزارانه تبدیل می‌شود. در ولایت انتصابی فقیه نیز چون کارآمدی حکومت مبتنی بر پذیرش مردم است در نتیجه رابطه، واکارگزارانه است. گزینه حق انتخاب شدن در هر دو نظریه به دلیل محدودیت‌هایی که در هر دو نظریه برای انتخاب شدگان نهاده شده واگذارانه است. حق مخالفت کردن نیز در هر دو نظریه سرنوشت یکسانی دارد؛ زیرا در صورتی که مخالفت در حدود قانونی و در مرحله ابراز رأی و نظر باشد و به اصطلاح مبارزه در رژیم باشد، پذیرفتنی است و رابطه واکارگزارانه است، اما اگر با اقدام عملی توأم شود و به شیوه مسلحانه و مبارزه با رژیم باشد، نوع رابطه واگذارانه است. از آن‌جا که حق نظارت و انتقاد توسط هر دو نظریه پذیرفته می‌شود، بنابراین مناسبات واکارگزارانه و حتی کارگزارانه میان فرد و دولت حاکم است. البته دیدگاه پاره‌ای از مفسران ولایت فقیه در این زمینه با توجه به قیدهایی که در راه انتقاد کردن می‌نهند، مناسبات را بیشتر واگذارانه می‌سازد. اما دیدگاه امام خمینی در نوع رابطه واکارگزارانه قابل تحلیل است.

چهارم. درباره مسأله اقلیت‌ها سخنان اکثر قائلان دو نظریه در محدوده آزادی عبادی و انجام شعائر مذهبی به رابطه واکارگزارانه اشاره دارد. البته هر دو نظریه درباره حقوق و آزادی‌های سیاسی تصریحی ندارند، اما می‌توان استنباط نمود که مناسبات در این بخش از نوع واگذارانه است. برخی دیدگاه‌ها در ولایت انتصابی فقیه نیز به عدم برابری حقوق مسلمانان و غیر مسلمانان تصریح دارند. در نتیجه چنین تلقی، رابطه را واگذارانه می‌سازد. در هر صورت در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت اندیشه امام خمینی و نظریه ولایت انتخابی فقیه همخوانی‌های بیشتری با یکدیگر دارند و در بسیاری از موارد نیز مناسبات میان فرد و دولت در آن‌ها واکارگزارانه است. در حالی که مناسبات در پاره‌ای از دیدگاه‌های ولایت انتصابی فقیه واگذارانه است. اما در هر صورت رابطه واکارگزارانه به نوعی با الگوی توافقی یا رضایت دولت در هم آمیخته می‌شود و این هر دو نظریه را حداقل در مرحله جعل، خلق و حفظ دولت مشروب می‌سازد. در این صورت نظریه امام خمینی در قالب «جمهوری اسلامی» قابل تحلیل، تبیین و ارزیابی است.

دانش‌واژه‌های کلیدی: ولایت، فقیه، ولایت فقیه، نظریه‌های ولایت فقیه، ولایت انتخابی فقیه، ولایت انتصابی فقیه، واگذاری، کارگزاری، واکارگزاری، فرد و دولت، رابطه، رابطه فرد و دولت.

فهرست مطالب

مقدمه: طرح پژوهش ۱

۱. بیان مسأله ۲

۲. علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده ۳

۳. سابقه پژوهش ۴

۴. پرسش اصلی ۶

۵. پرسش های فرعی ۶

۶. فرضیه پژوهش ۷

۷. مفاهیم و متغیرها ۸

۸. پیش فرض های پژوهش ۸

۹. روش پژوهش ۹

۱۰. اهداف پژوهش ۱۰

۱۱. سازماندهی پژوهش ۱۰

فصل یکم: فرد و دولت: چارچوب نظری ۱۲

مقدمه ۱۳

الگوی فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی ۱۴

(۱) نظام سیاسی تغلب (سلطه گر یا استبدادی) ۱۴

(۲) نظام سیاسی جماعیه یا احرار (آزادها) ۱۵

الگوی بشیریه ۱۶

فهرست مطالب / هفت

۱۶	(۱) جامعه نیرومند - دولت ضعیف
۱۶	(۲) جامعه نیرومند - دولت نیرومند
۱۶	(۳) جامعه ضعیف - دولت نیرومند
۱۷	(۴) جامعه نیرومند - دولت کوچک
۱۸	الگوی جین همپتن
۲۲	الگوی پیشنهادی

۲۵	فصل دوم: قلمرو حوزه خصوصی و عمومی
۲۶	مقدمه
۲۸	نظریه ولایت انتصابی فقیه
۳۱	مفهوم ولایت مطلقه فقیه
۴۴	نظریه ولایت انتخابی فقیه
۴۸	جمع بندی و مقایسه

۵۲	فصل سوم: حوزه و قلمرو اقتدار دولت
۵۳	مقدمه
۵۵	قلمرو اقتدار دولت در ولایت انتصابی فقیه
۶۰	قلمرو اقتدار دولت در ولایت انتخابی فقیه
۶۶	جمع بندی و مقایسه

۶۹	فصل چهارم: قلمرو مشارکت سیاسی
۷۰	مقدمه
۷۲	مشارکت سیاسی در ولایت انتصابی فقیه
۷۲	۱. حق انتخاب کردن
۷۶	۲. حق انتخاب شدن

فهرست مطالب / هشت

۷۸	۳. حق مخالفت کردن.....
۸۰	۴. حق نظارت و انتقاد.....
۸۷	مشارکت سیاسی در نظریه ولایت انتخابی فقیه.....
۸۷	۱. حق انتخاب کردن.....
۹۱	۲. حق انتخاب شدن.....
۹۴	۳. حق مخالفت کردن.....
۹۶	۴. حق نظارت و انتقاد.....
۱۰۳	جمع بندی و مقایسه.....
۱۰۷	فصل پنجم: دولت اسلامی و مسأله اقلیتها.....
۱۰۸	مقدمه.....
۱۱۱	اقلیتها در ولایت انتصابی فقیه.....
۱۱۸	اقلیتها در ولایت انتخابی فقیه.....
۱۲۲	جمع بندی و مقایسه.....
۱۲۴	فصل ششم: جمع بندی، نتیجه گیری و مقایسه.....
۱۳۷	فهرست منابع.....

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
تیم بهادرک

مقدمه:

طرح پژوهش

۱. بیان مسأله

ولایت فقیه، گرچه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یک بحث نظری مورد تأمل و مذاقّه قرار گرفته بود، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به این که در قالب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متجلی و منجر به یک نوع نظام سیاسی در صحنه عمل گردید، به نحو گسترده‌ای طرح و بسط یافت. پاره‌ای در تأیید، تکمیل و تقویت آن مطالبی منتشر کرده‌اند و پاره‌ای دیگر در نقد، انکار و رد آن تلاش‌هایی انجام داده‌اند و این بحث همچنان در کانون توجه مجامع علمی حوزوی و دانشگاهی است. اما این پرسش‌ها را می‌توان طرح کرد که با توجه به همه بحث‌های صورت گرفته آیا تمامی زوایای آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؟ آیا از نقاط مبهم و راز آلود آن ابهام‌زدایی شده است؟ آیا همگان به یک فهم و درک و اجماع نسبتاً یکسان از ولایت فقیه رسیده‌اند؟ آیا اساساً پاره‌ای مسائل مربوط به ولایت فقیه امکان طرح و بررسی‌های انتقادی یافته‌اند یا این که بحث‌های ارائه شده یک جانبه و طرف‌دارانه بوده است؟ و پرسش‌های دیگری از این قبیل.

پژوهش حاضر با توجه به اهمیت و زنده بودن بحث ولایت فقیه در جامعه علمی ما بر آن است که به بخشی مهم و کم‌تر مورد توجه از این موضوع بپردازد. از این رو مناسبات نظام ولایت فقیه با شهروندان را دست‌مایه این پژوهش قرار داده است. تأکید عمده تحقیق بر جنبه‌هایی است که به حقوق شهروندان مربوط می‌شود گرچه از قلمرو اقتدار دولت نیز در یک فصل گفت‌وگو می‌شود، اما مباحث حول محور تعامل فرد و دولت و به تعبیری آزادی‌های سیاسی سامان می‌یابد.

از آن جا که مهم‌ترین نظریات ولایت فقیه در دو نظریه ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه طرح و بسط یافته، گستره بحث به نظریه‌های ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه

محدود شده است. تبیین و تحلیل نظریه‌های ولایت فقیه، دیدگاه‌های فائلان و شارحان این دو نظریه را در دو طیف مذکور در بر می‌گیرد. بنابراین برای غنای بیشتر مباحث به تلقی‌های اندیشمندان و فقیهان هر دو نظریه در دوره معاصر حول محور ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه، تا آن‌جا که در خدمت ایضاح مباحث قرارگیرد، توجه می‌شود و تمامی دیدگاه‌ها در این دو محور سامان می‌یابد و مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

دلیل عمده محدودیت بحث در دو نظریه مذکور این است که این دو نظریه به بسط اختیارات فقیه می‌پردازند و قائل به توان‌مندی نظریه خود برای تأسیس نظام سیاسی هستند که البته امام خمینی در میان فقیهان مدافع ولایت فقیه در عمل نیز موفق به تأسیس نظام سیاسی ولایت فقیه شده است.

۲. علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده

از جمله دلایل انتخاب چنین موضوعی یکی علاقه شخصی به موضوع مورد بحث یعنی مناسبات و تعامل فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه است. زیرا چنین موضوعی به زعم من در حوزه آزادی‌های سیاسی - اجتماعی قرار می‌گیرد که از دیرگاه در حوزه علایق مطالعاتی من قرار داشته است.^(۱) دو دیگر این‌که با انتخاب این بحث به دنبال پاسخ به پرسش‌ها، دغدغه‌ها و چالش‌های ذهنی و فکری خودم می‌باشم که این خود البته برگرفته از دغدغه‌ها و چالش‌های موجود در جامعه ما است. نمی‌توانم کتمان کنم که به هر حال چنین موضوعاتی مورد بحث جامعه علمی ما است و به‌طور ناخودآگاه، ذهن هر پژوهشگری را به سمت پژوهش درباره آن هدایت می‌کند. از این رو علایق محقق همواره آینه‌ای است که ضمن فهم و انعکاس خواسته‌ها و نیازهای جامعه خود به دنبال پاسخی برای پاره‌ای چالش‌های زندگی است. این پژوهش نیز از این زمینه برکنار نیست.

درباره اهمیت موضوع می‌توانم بگویم که امروزه، به رغم پاره‌ای اظهار نظرها، چالش

۱. لازم است در این‌باره اشاره کنم که در طی چندین سال که به‌طور پراکنده و غیر منسجم به مطالعه، تحقیق و تأمل درباره آزادی پرداخته‌ام و نوشته‌های متعددی در این‌باره از نگارنده در این‌باره در مطبوعات منتشر شده است، اما بر این باورم که هنوز در این زمینه خلاهای بسیاری وجود دارد و هنوز پرسش‌های بسیاری یا پاسخ داده نشده و یا این‌که پاسخ کافی و مستدل به آن‌ها داده نشده است. پژوهش حاضر در واقع به یکی از مباحث مهم و کلیدی در این زمینه، یعنی مناسبات فرد و دولت، می‌پردازد.

اساسی حکومت دینی، چالش دین و دموکراسی نیست، بلکه چالش سلیقه‌ها و قرائت‌های مختلف از حکومت دینی است.^(۱) از این رو وجود چنین نگرش‌ها و برداشت‌هایی نیز سبب شد تا از منظر پژوهشگری بیرونی و پژوهشی پسینی، مسأله تعامل فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه را به پرسش بگیریم و به آن در حد بضاعت علمی و در خور این پژوهش بپردازیم که فرد و دولت در نظریه‌های ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه چگونه رابطه‌ای با یکدیگر دارند. بنابراین پر واضح است که پرسش‌های مطرح شده در این باب و موضوع مورد بحث به گونه‌ای است که می‌بایست در پژوهش‌های درجه دو یا درجه یک پاسخ داده شوند و نظریه‌های نظام سیاسی ولایت فقیه در باب مناسبات فرد و دولت، مورد بررسی و مقایسه واقع شوند.

تبیین پاره‌ای زوایای نااندیشیده در باب ولایت فقیه و ارائه پرسش‌های کلیدی و انگشت نهادن بر نقاط مبهم و مجمل، ضمن مقایسه نظریه‌های ولایت فقیه و تبیین میزان کارآمدی و ناکارآمدی هر یک می‌تواند در بر دارنده فواید عام در جهت پاسخ به چالش‌ها و منازعات و حل مشکلات در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه‌های ولایت فقیه باشد.

۳. سابقه پژوهش

به نظر می‌رسد طرح موضوع فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه آن گونه که در این پژوهش مد نظر است، بدیع است. گرچه کارهای پراکنده‌ای در موضوع مورد بحث صورت گرفته است اما توجه به برخی زوایای نااندیشیده و تکمیل و مقایسه آن‌ها و نیز برجسته‌تر کردن نقاط اشتراک و افتراق و طرح پرسش‌های کلیدی، اساسی و نو پاره‌ای از ابداعات رساله حاضر است. ضمن این‌که فرضیه ارائه شده و دانش‌واژه‌های مورد استفاده نیز بدیع و برای نخستین بار صورت می‌گیرد. با توجه به توضیح فوق، آثار مستقلی با عنوان موضوع تحقیق حاضر مشاهده نشد. اما قابل اشاره است که بخش‌هایی از مصادیق و جزئیات موضوع به صورت پراکنده و غیر منسجم

۱. برای نمونه بنگرید به مطلب حاضر: «به نظر من امروزه در جامعه ما نزاع بین دین و دموکراسی نیست، بلکه نزاع بین دو سلیقه دینی است؛ یعنی دین استبدادی و دین دموکراتیک... به نظر من، تقابل دو نوع اسلام در حوزه اجتماع، یکی اسلام دولتی و دیگری اسلام آزاد و دموکراتیک مهم‌ترین چالش است.» محسن کدیور (گفت‌وگو). «دخالت یا عدم دخالت دولت در امور دینی». چکیده مقالات، مصاحبه‌ها و میزهای اندیشه: اولین همایش دین، توسعه فرهنگی و برنامه سوم. ج ۱، تهران: دبیرخانه همایش، ۱۳۸۰. ص ۷۶ و ۷۸.

کار شده است.

از آن جا که در این پژوهش دو نظریه ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه مورد بحث و گفت‌وگو و سنجش و مقایسه واقع می‌شود، منابعی که در درجه نخست به آن‌ها رجوع می‌شود عمدتاً آثار و متونی است که قائلان این دو نظریه منتشر ساخته‌اند. از این رو برای تبیین نظریه ولایت انتصابی فقیه در درجه اول به آثار امام خمینی رجوع می‌شود.^(۱)

امام خمینی طرح مبسوط نظام سیاسی ولایت فقیه یا حکومت اسلامی را در طی سلسله درس‌های خود در سال ۱۳۴۸ در نجف ارائه کرد. این بحث‌ها در همان ایام به گونه‌ها و در قالب عنوان‌های مختلف منتشر گردید. هم‌اینک این مباحث در «کتاب البیع» قرار دارد اما نسخه فارسی آن با عنوان «ولایت فقیه، حکومت اسلامی» که بارها منتشر شده است نیز در دسترس است. امام خمینی در این مباحث به‌طور عقلی و نقلی به تبیین ولایت فقیه می‌پردازد.

در باب ولایت انتخابی فقیه عمدتاً کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة» تألیف آیت الله حسین علی منتظری مورد رجوع است. این اثر فقهی، استدلالی‌ترین و مفصل‌ترین متن در باب ولایت فقیه است که در واقع پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ادامه نظریه ولایت انتصابی فقیه مطرح می‌شود. نویسنده این کتاب این مباحث را جهت غنای مباحث استدلالی فقهی ولایت فقیه و برای تبیین ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه کرده است. از این رو بسط نظریه ولایت انتخابی فقیه با فرض عدم ولایت انتصابی فقیه از جانب شارع در عصر غیبت انجام یافته است.

گفتنی است از آن جا که این نظریه پس از چند سال که از تأسیس نظام جمهوری اسلامی گذشته طرح و بسط یافته است، گرچه دارای مباحث فراوان نظری است، اما از سویی ناظر به مشکلات و چالش‌های نظام سیاسی موجود نیز می‌باشد و برای بهبود امور ارائه طریق کرده است و از این رو بسیاری از مباحث ولایت انتخابی ناظر به مرحله عمل است و جنبه اجرایی و کاربردی

۱. البته در این باره که امام خمینی در شمار قائلان ولایت انتصابی فقیه باشد اتفاق نظر نیست. پاره‌ای صاحب نظران به دلیل طرح و دفاع امام خمینی از رژیم «جمهوری اسلامی» و نیز مباحث شفاهی ایشان در اوج و پس از پیروزی انقلاب اسلامی اجماع نظر دارند که ایشان در این نظریه جای نمی‌گیرد. آن چه در سال‌های اخیر باعث رواج این نظر گشته است که ایشان قائل به ولایت انتصابی فقیه است، پاره‌ای مکتوبات پژوهشگران است که یک‌جانبه به داوری پرداخته‌اند و ایشان را در شمار قائلان ولایت انتصابی قرار داده‌اند. در این پژوهش فرض بر این گذاشته شده است که امام خمینی نیز از جمله قائلان ولایت انتصابی فقیه است اما در ضمن تحقیق این فرض مورد تأملات جدی و اساسی قرار می‌گیرد و در انتهای پژوهش، داوری و نظر نهایی طرح می‌شود.

دارد.

برای تبیین و توضیح دو نظریه ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه به منابع پاره‌ای دیگر از قائلان و شارحان نیز توجه می‌شود. برای مثال از اثر آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی با عنوان «ولایت فقیه، حکومت صالحان» جهت تبیین نظریه ولایت انتخابی استفاده می‌شود. همچنین برای توضیح و توصیف نظریه ولایت انتصابی فقیه به آثار آیت‌الله عبدالله جوادی آملی و اثر مستقل او در باب ولایت فقیه یعنی «ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت» و نیز آثار آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی رجوع می‌شود.

منابع اندیشمندان مذکور در کانون مباحث این پژوهش قرار دارند. در واقع از آن‌جا که هیچ یک از قائلان و مفسران نظریه‌های مورد بحث، به‌طور جامع و کامل به همه مباحث موضوع این تحقیق پرداخته‌اند به ناچار طیفی از اندیشمندان این دو نظریه‌گزینش شد که در طی بحث‌ها به دیدگاه‌های آن‌ها رجوع و نظرات آنان در سنجش دو نظریه به خدمت گرفته می‌شود. البته با توجه به ظرفیت پژوهش به دیدگاه‌های دیگر قائلان و شارحان این دو نظریه نیز رجوع می‌شود و نگارنده خود را محدود به موارد مذکور نمی‌بیند.

۴. پرسش اصلی

اساساً چه نوع مناسباتی میان فرد و دولت در نظریه‌های ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه برقرار است؟

۵. پرسش‌های فرعی

- (۱) چه الگوهایی در زمینه رابطه فرد و دولت متصور است؟
- (۲) مرزهای حوزه خصوصی و عمومی در نظریه‌های ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه کدام است؟
- (۳) حوزه اقتدار دولت در نظریه‌های ولایت فقیه چیست؟ آیا قدرت متمرکز است و تفکیک قوا در آن جایگاهی دارد یا خیر؟
- (۴) مشارکت سیاسی در نظریه‌های ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه از چه الگویی

پیروی می‌کند و چگونه است؟

۵) رابطه اقلیت‌ها با دولت اسلامی بر اساس نظریه‌های ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه چه نوع رابطه‌ای است؟

۶) نظریه‌های ولایت فقیه دارای چه اشتراکات و افتراقاتی در الگوی رابطه فرد و دولت هستند و هر کدام به سمت چه الگویی گرایش دارند؟

۶. فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش حاضر این است که: مناسبات و تعامل فرد و دولت از حیث نظری در نظریه‌های ولایت فقیه «واکارگزارانه» (ولی - عامل) است. دانش واژه واکارگزارانه تلفیقی از دو واژه «واگذاری»^(۱) و «کارگزاری»^(۲) است و این معنا را می‌رساند که در الگوی «واگذاری»، مردم تمامی اختیارات خود را به حاکم اعطا می‌کنند و در نتیجه حاکم همه کاره می‌شود و هر گونه که بخواهد رفتار می‌کند و حتی آزادی‌های اساسی و سیاسی آدمیان را از آنان سلب می‌کند و خود همه چیز را در اختیار می‌گیرد. اما در الگوی «کارگزاری»، حاکم در خدمت مردم و در نقش کارگزار مردم به‌شمار می‌رود و هیچ اختیاری جز آن‌چه از سوی مردم به او اعطا شده نخواهد داشت.

دانش واژه «واکارگزارانه» که تلفیقی از دو واژه مذکور و بخش‌هایی از معنای درون آن‌ها است و توسط این پژوهنده ابداع شده، تعامل، دو جانبه و دوگانه است، نه یک‌سویه و یک‌طرفه. مکمل فرضیه مذکور این است که مناسبات فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه علاوه بر تعامل واکارگزارانه، بخشی از عنصر رضایت را نیز با خود به همراه دارد. به این معنا که ولایت و عاملیت تنها در صورتی به فقیه دارای شرایط منتقل می‌شود که از سوی مردم مورد پذیرش قرار گیرد و مردم به این ولایت و عاملیت رضایت داشته باشند. ممکن است این رضایت جنبه مشروعیت بخشی و یا جنبه کارآمدی داشته باشد. در هر صورت عامل رضایت، مکمل فرضیه مورد ادعای این پژوهش است.

فرضیه‌های رقیب این پژوهش موارد زیر را شامل می‌شود:

1. Allenatin
2. Agency

۱) مناسبات فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه، کارگزارانه و یک جانبه است. به این معنا که حاکم در خدمت و در اختیار شهروندان و پاسخ‌گو به آنان است و در راستای خواسته‌های آنان می‌باید تلاش نماید و از خود هیچ قدرتی ندارد و بدون رأی و نظر و خواست شهروندان نمی‌تواند اعمال قدرت نماید.

۲) تعامل فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه، واگذارانه و یک سویه است. یعنی شهروندان تمامی اختیارات خود را به حاکم واگذار می‌کنند و دیگر هیچ اختیاری، همانند نظارت و بازخواست حاکمان و برخورداری از آزادی‌های سیاسی، نخواهند داشت.

۳) رابطه فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه در پاره‌ای موارد از نوع کارگزارانه و در پاره‌ای موارد از نوع واگذارانه است. به این معنا که با توجه به مورد و مصداق آن نوع رابطه به یکی از صور مذکور متفاوت می‌شود، نه این‌که نوعی از هر دو رابطه در آن وجود داشته باشد و مناسبات را واکارگزارانه نماید که در این صورت می‌بایست موارد و مصادیق این دو الگو را از هم باز و مشخص نمود.

۷. مفاهیم و متغیرها

مفاهیم اساسی پژوهش عبارتند از: ولایت، فقاہت، ولایت فقیه، فرد، دولت، واگذاری، کارگزاری، واکارگزارانه و... این مفاهیم در فصل نخست تحقیق حاضر به طور مبسوط مورد بحث قرار می‌گیرد.

متغیر وابسته پژوهش همانا تعامل فرد و دولت است. و متغیر مستقل پژوهش، نظریه‌های ولایت فقیه است. مراد از نظریه‌های ولایت فقیه، ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه است.

۸. پیش فرض‌های پژوهش

اذعان به این‌که نظریه‌های مختلفی درباره ولایت فقیه وجود دارد، مفروض اساسی این تحقیق است. از این رو دو نظریه که در آن‌ها به تشکیل نظام سیاسی مبادرت می‌شود و در این پژوهش مفروض گرفته می‌شوند عبارتند از: ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه. بنابراین با

این مفروض دیگر به بحث از اثبات ولایت فقیه پرداخته نمی‌شود و ادله آن مورد تحلیل و بررسی قرار نمی‌گیرد مگر در حد ضرورت و برای ایضاح مباحث. البته مفروض مذکور خود مفروضات و پیش فرض‌های دیگری را در دل خود جای داده است که می‌توانند در شمار پیش فرض‌های رساله حاضر قرار گیرند. از جمله این‌که:

(۱) جامعیت دین و گستردگی معارف دینی: دین اسلام، دین جامعی است و همه ابعاد وجودی انسان و یا لااقل ابعاد مرتبط با سعادت اخروی انسان را از نظر دور نداشته است و آن‌چه در این عرصه‌ها جهت رشد و کمال انسان ضرورت دارد، در متون دینی یا به‌طور کلی در منابع استخراج معارف و احکام دین، موجود است. ابعاد مرتبط با حیات اخروی انسان شامل حوزه خصوصی زندگی و حوزه عمومی آن است.

(۲) فرا زمانی بودن دین: دین اسلام دین خاتم است و شریعت کامل نبوی (ص) برای زمان‌های آینده کافی است و عالمان متعهد بر اساس روش‌های اجتهادی و علمی ملهم از بیانات معصومان (ع) و حکم عقل می‌توانند آموزه‌های روزآمد دین را در هر عصری استخراج و ارائه نمایند.

(۳) آمیختگی دین و سیاست: اسلام در حوزه سیاست و تدبیر جامعه نظر دارد و کناره‌گیری دین از سیاست و تدبیر جامعه به نحوی به اضمحلال دین می‌انجامد.^(۱)

۹. روش پژوهش

برای ارائه مباحث از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌شود. به این معنا که ضمن توضیح و توصیف مباحث به ارائه تحلیل و اخذ نتایج و طرح نقاط مبهم و مجمل و احتمالاً طرح پرسش‌هایی برای پیگیری و تکمیل مباحث پرداخته می‌شود. شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

لازم است اشاره نمایم رساله رابطه فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه یک نظریه پسینی

۱. برای تفصیل مفروضات مذکور بنگرید به: کاظم قاضی‌زاده. ولایت فقیه و حکومت اسلامی در منظر امام خمینی رضوان الله علیه. چاپ نخست، تهران: کنگره، ۱۳۷۸، ص ۳۹ - ۸۹. و نیز: حکومت اسلامی در کوثر زلال اندیشه امام خمینی: جستارهایی در باب مرجعیت، ولایت مطلقه فقیه، مصلحت نظام، نشریه حوزه. چاپ نخست، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹ - ۱۵۹.

و درجه دوم است و در پی اثبات و ابطال یا حمایت و رد هیچ یک از نظریه‌های مورد مطالعه نیست، بلکه پژوهشی است درجه دوم که از هست‌ها سخن می‌گوید نه از بایدها. از این رو در پی تحلیل واقعیت‌های مندرج در نظریه‌ها است و نه در مقام تعیین آرمان‌ها و بایسته‌ها و ارائه رهنمود برای رسیدن به آرمان‌ها. بنابراین اشاره به جنبه‌های عینی و نتایج و پیامدهای عملی و واقعی نظریه‌ها، که البته در جای خود اهمیت دارد، در حیطه پژوهش حاضر نیست و این تحقیق صرفاً به تبیین، توصیف و تحلیل و مقایسه نظریه‌های ولایت فقیه می‌پردازد و تفاوت‌ها و اشتراکات آن‌ها را از منظر پژوهشگری بی‌طرف برملا می‌سازد.

۱۰. اهداف پژوهش

هدف علمی پژوهش حاضر روشن ساختن پاره‌ای از ابهامات موجود در مناسبات فرد و دولت در نظریه‌های ولایت فقیه است. از این رو برای رسیدن به چنین هدفی می‌بایست به پرسش اصلی این پژوهش پاسخ داده شود و فرضیه مورد اشاره به آزمون گذاشته شود. هدف کاربردی تحقیق، نیز مشارکت در بحث‌های علمی جامعه و احتمالاً ارتقای سطح مباحث جاری و طرح پرسش‌ها و ابهامات و چالش‌های فراروی نظریه‌های ولایت فقیه برای ارائه پاسخ به آن‌ها است. ضرورت انجام چنین پژوهش‌هایی، به گونه‌ای پاسخ به چالش‌ها و نیازهای روز جامعه است. با توجه به اهمیت موضوع، ضرورت دارد به گونه‌ای آکادمیک به پرسش‌ها و نیازها پاسخ داده شود و زوایای نااندیشیده به پرسش و پاسخ گرفته شود.

۱۱. سازماندهی پژوهش

تحقیق حاضر در یک مقدمه و شش فصل سامان یافته است. در مقدمه، طرح تحقیق آمده است. در فصل نخست به ادبیات موضوع توجه می‌شود و پاره‌ای مفاهیم پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین در همین فصل چارچوب نظری تحقیق در رابطه فرد و دولت و الگوی مطرح شده در فرضیه به طور مبسوط ارائه می‌شود. در فصل دوم حدود حوزه فردی و خصوصی و حوزه عمومی و جامعه به طور مبسوط تبیین می‌شود. در فصل سوم به بحث از قلمرو اقتدار دولت می‌پردازم و به طور مشخص این مطلب را روشن می‌کنم که آیا قدرت در نظریه‌های

ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه متمرکز است یا غیر متمرکز و این که آیا تفکیک قوا آن گونه که در نظام‌های سیاسی امروزی مشاهده می‌گردد در این دو نظریه دارای چه منزلت و جایگاهی است. چهارمین فصل عهده‌دار بحث از قلمرو مشارکت سیاسی در نظریه‌های ولایت فقیه است و در آن چهار نوع مشارکت سیاسی، یعنی حق انتخاب کردن و رأی دادن، حق انتخاب شدن به مقامات عمومی و سیاسی، حق مخالفت کردن و حق نظارت و انتقاد مورد بررسی قرار می‌گیرد. آن گاه در پنجمین فصل از مناسبات اقلیت‌ها و دولت اسلامی در نظریه‌های ولایت فقیه بحث می‌گردد. فصل ششم، جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و مقایسه مطالب فصل‌های پیشین است و نتایج تحقیق به صورت خلاصه مورد اشاره قرار می‌گیرد و میزان کاربرد فرضیه و الگوی ارائه شده در باب ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه مورد سنجش قرار می‌گیرد و توانایی‌ها و کاستی‌های آن با توجه به دو نظریه بر ملا می‌شود. همچنین نقاط اشتراک و اختلاف نظریه‌های ولایت فقیه در تعامل فرد و دولت به وضوح تبیین می‌شود.